



Correlation between Self-differentiation and Neuroticism with Emotional Divorce in married Students of Azad Shahr Azad University

Hor Al-ein Rezvani ¹, Hassan Saemi ^{2,*}

¹ MSc, Department of Psychology and Educational Sciences, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran

² Assistant Professor, Department of Psychology and Educational Sciences, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran

* **Corresponding author:** Hassan Saemi, Assistant Professor, Department of Psychology and Educational Sciences, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran. E-mail: saemi_61@yahoo.com

Received: 03 Feb 2018

Accepted: 20 Mar 2019

Abstract

Introduction: The emotional divorce is the most important factor in the family's frustration and causes the emotional gap of the family. The purpose of this study was to determine the correlation between differentiation and neuroticism with emotional divorce in married students of Azad Shahr city in 1396.

Methods: In this descriptive-correlational study, 278 students were selected by sampling method. Data collected using the "Skowron & Friedlander Differentiation of Self Inventor", the NEO Five-Factor Personality Inventory, and the "Gottman Emotional Divorce Questionnaire", which the validity and reliability were confirmed in previous studies. After collecting the questionnaires, data were analyzed using SPSS.19.

Results: The mean scores of self-differentiation, neuroticism and emotional divorce were 105 ± 10.76 , 16.24 ± 1.25 and 8.58 ± 5.21 , respectively. Also, the results of the correlation test showed that there was a negative correlation between self-differentiation and emotional divorce. Among the different dimensions of self-differentiation, the correlation between the three variables: "emotional response", "emotional fault" and "blending with others" was positive with emotional divorce. In addition, the correlation between "position of personal position" and emotional divorce was negative. Finally, it was also found that there was a positive and significant correlation between neuroticism and emotional divorce.

Conclusions: By increasing self-differentiation and reducing neuroticism, the amount of emotional divorce in couples decreases. The average of the score obtained in emotional divorce is the signs of emotional divorce among respondents. It is suggested that training courses be conducted on the psycho-destructive effects of neuroticism and its consequences for students.

Keywords: Self-differentiation, Neuroticism, Emotional Divorce, Students



همبستگی تمایز یافتگی خود و نوروگرایی با طلاق عاطفی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر

حورالعین رضوانی^۱، حسن صائمی^{۲*}

^۱ کارشناس ارشد، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران
^۲ استادیار، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

* نویسنده مسئول: حسن صائمی، استادیار، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران. ایمیل: saemi_61@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۲۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴

چکیده

مقدمه: طلاق عاطفی مهم‌ترین عامل تزلزل خانواده و موجب شکاف عاطفی خانواده می‌شود. پژوهش حاضر با هدف تعیین همبستگی بین تمایز یافتگی و نوروگرایی با طلاق عاطفی در دانشجویان متأهل شهر آزادشهر در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت.

روش کار: در این پژوهش توصیفی- همبستگی، ۲۷۸ دانشجو به روش نمونه‌گیری در دسترس، به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها نیز از "سیاهه خود تمایز یافتگی اسکورن و فریدلندر" (Skowron & Friedlander The Differentiation of Self Inventory)، "سیاهه پنج عاملی شخصیت نفو" (NEO Five-Factor Personality Inventory) و همچنین "پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن" (Gottman Emotional Divorce Questionnaire) که روایی و پایایی آن در مطالعات قبلی مورد تأیید قرار گرفته است، استفاده شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها با استفاده از نرم افزار اسپس اس نسخه ۱۹ تحلیل شد.

یافته‌ها: میانگین نمره متغیرهای خود تمایز یافتگی، نوروگرایی و طلاق عاطفی، به ترتیب، 10.5 ± 10.76 ، 16.24 ± 1.25 و 8.58 ± 5.21 به دست آمد. همچنین نتایج آزمون همبستگی نیز نشان داد که میان خود تمایز یافتگی و طلاق عاطفی همبستگی منفی وجود داشت. از میان ابعاد مختلف خود تمایز یافتگی، رابطه بین سه متغیر "واکنش عاطفی"، "گسلش عاطفی" و "آمیختگی با دیگران" با طلاق عاطفی مثبت بود. بعلاوه، همبستگی بین "موقعیت مواضع شخصی" با طلاق عاطفی، منفی بود. در نهایت نیز مشخص گردید که میان نوروگرایی و طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنی داری وجود داشت.

نتیجه گیری: با افزایش خود تمایز یافتگی و کاهش نوروگرایی، میزان طلاق عاطفی در زوجین کاهش می‌یابد. همچنین میانگین بالای نمره کسب شده در طلاق عاطفی، علائم طلاق عاطفی در میان پاسخگویان مشهود می‌باشد. پیشنهاد می‌گردد دوره‌های آموزشی در رابطه با صفات روانی مخرب نوروگرایی و عواقب آن برای دانشجویان برگزار گردد.

واژگان کلیدی: تمایز یافتگی خود، نوروگرایی، طلاق عاطفی، دانشجویان

تمامی حقوق نشر برای انجمن علمی پرستاری ایران محفوظ است.

مقدمه

رابطه است. اما گاهی پس از مدتی ممکن است زن یا شوهر یا هر دوی آن‌ها نسبت به عمق و شکل رابطه خود دچار تردید شوند و چون بین توقعات خود از زندگی و واقعیت‌های موجود در زندگی زناشویی‌شان هماهنگی لازم را نمی‌بینند، دچار سردی در روابط می‌شوند [۲]. در واقع زوجها در می‌یابند که رفتار همسرشان آن چیزی نیست که انتظارش را داشته‌اند و پس از به وجود آمدن این احساس سرخوردگی، همسرشان را در قبل و بعد از ازدواج مقایسه می‌کنند و در پی آن، احساسات منفی، حالت غالب به خود می‌گیرند و به از دست دادن شور و

خانواده قدیمی‌ترین و عمومی‌ترین نهاد اجتماعی است که براساس ازدواج و پیوند بین یک مرد و یک زن بر اساس نوعی قرارداد شکل می‌گیرد و دارای کارکردهای متنوع فردی، اجتماعی، تربیتی، اقتصادی، فرهنگی و روانی و نهادی مؤثر بر جامعه و سلامت آن می‌باشد. روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است [۱]. هر فردی ابتدا و در شکل طبیعی‌اش رابطه زناشویی خود را با عشق و علاقه شروع می‌کند و حدس و گمان‌های اولیه او نیز در راستای حفظ و تداوم این

دارد و تمایز یافتگی در تبیین و پیش بینی دلزدگی زناشویی نقش دارد. قمری کیوی و همکاران [۱۵] طی پژوهشی نتیجه گرفتند که تفاوت معنی داری در میزان تمایز یافتگی خود در همسران سازگار و ناسازگار وجود دارد. ساداتی و همکاران [۱۰] نیز ضمن پژوهش خود گزارش کردند که رابطه معنی داری میان تمایز یافتگی و نوزدگرایی با دلزدگی زناشویی وجود دارد. Iveniuk و همکاران [۱۶] ضمن بررسی تعارضات زناشویی در زوج‌های مسن گزارش نمودند هر اندازه ویژگی شخصیتی نوزدگرایی در افراد نمود بیشتری داشته باشد به همان اندازه احتمال بروز آشفته‌گی و دلزدگی زناشویی در آینده بیشتر است. [۱۷] Niszczota طی پژوهشی گزارش نمود هر چه نوزدگرایی در میان زوجین بالاتر باشد، در برخورد با تعارض‌های بین فردی، بیشتر دست به رفتارهای اجتنابی و واکنش‌های هیجانی شدید می‌زنند. لذا تعارض را تشدید و رفع آن را با مشکل مواجه می‌کنند. نتایج پژوهش Gabelman [۱۸] نیز نشان داد که میان تمایز یافتگی و رضایت از رابطه زناشویی در مردان و زنان رابطه مستقیمی وجود داشت.

میزان بالای طلاق در جوامع، تأییدکننده این حقیقت است که بسیاری از زوجها تمایلی نسبت به ماندن در ازدواج‌های ناکام ندارند [۱۹]. طلاق عاطفی که پیش درآمد طلاق رسمی می‌باشد، پدیده‌ای است که ممکن است ممکن است ریشه در تمایز یافتگی (به معنی عدم توانایی تجربه صمیمیت، ماندن در ماندن در جو عاطفی) و نوزدگرایی (به معنی نگرانی‌ها و تمرکز بر بر عواطف منفی در مورد همسر) داشته باشد [۱۰]. لذا با در نظر گرفتن خسارت‌های ناشی از طلاق عاطفی همانند افسردگی، ناامیدی، احساس تنهایی و بی اعتمادی به همسر، لزوم بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق عاطفی بین زوج‌ها، جهت بالا بردن سطح آگاهی خانواده‌ها و تسهیل روند مشاوره به متقاضیان طلاق، به منظور پیشگیری از آن، بیش از پیش ضرورت دارد. پژوهش‌های پیشین به بررسی تأثیر متغیرهایی مورد نظر بر روی سازگاری و یا تعارضات زناشویی پرداخته‌اند اما رابطه این متغیرها با طلاق عاطفی زوجین بررسی نشده است. همچنین از سوی دیگر، در مطالعات ایران به موضوع طلاق عاطفی به عنوان بعد پنهان طلاق زوجین کمتر توجه شده است و مطالعات بیشتر به موضوع طلاق رسمی پرداخته‌اند. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف تعیین همبستگی تمایز یافتگی و نوزدگرایی با طلاق عاطفی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر گرفت.

روش کار

مطالعه حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود و جامعه آماری آن تمامی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی شهر آزادشهر در سال ۱۳۹۶ بود. تعداد نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان ۲۹۶ دانشجوی متأهل تعیین گردید که شرکت کنندگان با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند.

پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر به شرح زیر می‌باشند: "پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی" که شامل (سن، جنسیت، مدت ازدواج و مقطع تحصیلی) بود. "سیاهه خود تمایز یافتگی اسکورن و فریدلندر" (Skowron & Friedlander The Differentiation of Self Inventory) که با ۴۵ سؤال در سال ۱۹۹۸ توسط Skowron & Friedlander [۲۰] طراحی و تدوین گردید و در قالب ۴ خرده مقیاس واکنش عاطفی، موقعیت مواضع شخصی، گسلس عاطفی،

شوق اولیه، وابستگی عاطفی و نهایتاً بروز طلاق عاطفی منجر می‌شود [۳].

طلاق هم می‌تواند صورت آشکار و رسمی به خود گیرد که طی آن خانواده فرو می‌پاشد و هم می‌تواند صورت پنهان به خود گیرد که در نتیجه آن، خانواده صرفاً ساختار بیرونی‌اش حفظ می‌شود ولی در واقع از درون تهی می‌باشد. در این حالت، زوجین بنا به ضرورت و اجبار با همدیگر زندگی می‌کنند ولی روابط عاطفی سازنده و مناسبی ندارند. طلاق رسمی به معنای طلاق عاطفی است یعنی پیش درآمد طلاق رسمی و قانونی، همیشه طلاق عاطفی است. لکن طلاق عاطفی این گونه نبوده و زوایای پنهان و مستتری دارد که بررسی و شناخت آن نیازمند مطالعات فراوان و دقیق می‌باشد [۴].

رشد کمی و کیفی طلاق عاطفی در جامعه ایرانی، به یکی از مسائل اجتماعی جدی تبدیل شده به طوری که امروزه دیگر واژه طلاق قبح گذشته را ندارد و افراد آن را به عنوان یک انتخاب فردی در نظر می‌گیرند. این وضعیت نشانگر تغییرات عمده در ساختار نهاد خانواده می‌باشد. لازم به ذکر است، آمارهای موجود فقط طلاق رسمی را نشان می‌دهند [۵]؛ به گونه‌ای که مطابق با آمار سازمان ثبت احوال کشور آمار طلاق از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۲ بیش از ۱۶ درصد افزایش یافته است [۶] ولی در مورد طلاق عاطفی در میان زوجین، آمار رسمی معتبری اعلام نشده است [۵]. یکی از عواملی که به نظر می‌رسد با طلاق عاطفی مرتبط باشد، خود تمایز یافتگی (self-differentiation) است. مفهوم خود تمایز یافتگی به توانایی تجربه صمیمیت با دیگران و ماندن در جو عاطفی و در عین حال استقلال از دیگر افراد اشاره دارد [۷، ۸]. در واقع، تمایز یافتگی خود، در سایه استقلال روانی و بلوغ عاطفی شکل می‌گیرد، امری دایمی و پویاست، به این معنا که افراد دایماً در تلاش برای حفظ تمامیت روانی خویش هستند (۹). در نظام زناشویی نیز وقتی تمایز یافتگی زوج‌ها بالا باشد احتمال سازگاری مناسب با تعارض‌ها نیز برای زوج‌ها بیشتر می‌شود و واکنش‌های هیجانی نیز کاهش می‌یابد [۹].

رابطه زناشویی و ازدواج، پیوند دو شخصیت است و از میان ویژگی‌های شخصیتی، پیوسته‌ترین ارتباط با کیفیت روابط زناشویی را یافته‌های مربوط به نوزدگرایی (neuroticism) دارد [۱۰]. بنابراین، به نظر می‌رسد نوزدگرایی یکی دیگر از عواملی است که می‌تواند با طلاق عاطفی زوجین مرتبط باشد. به طور کلی، عناصر نوزدگرایی عبارتند از: ناتوانی در کنترل میل و تکانه (inability to control urges)، مقابله ناکارآمد با تنش، گرایش به شکوه و شکایت (disposition to complain)، ارزیابی موقعیت‌ها به عنوان تنش‌زا و تجربه هیجان‌های منفی [۱۱]. زوجین با نوزدگرایی بالا از اسنادهای منفی (attribution negative) بیشتری برای توضیح رفتارهای همسر خود استفاده می‌کنند و چون زمان زیادی را صرف نگرانی‌ها و تمرکز بر عواطف منفی می‌کنند اغلب فرصت کمی برای به انجام رساندن تکالیف و وظایف زناشویی دارند که در دراز مدت امکان بروز خلأ عاطفی را افزایش می‌دهد [۱۲].

Skowron [۱۳] در پژوهش خود نشان داد، زوجینی که تمایز یافتگی بیشتری دارند، سازگاری زناشویی آن‌ها نیز بیشتر است. همچنین کاظمیان مقدم و همکاران [۱۴] در پژوهش خود نشان دادند که بین تمایز یافتگی و دلزدگی زناشویی ارتباط منفی معناداری وجود

همسانی درونی برای هر یک از عوامل پنج گانه مذکور از شاخص ضریب پایایی آلفای کرونباخ استفاده شد، که نتایج برای پنج عامل به ترتیب برابر با ۰/۷۹، ۰/۷۳، ۰/۴۲، ۰/۵۸ و ۰/۷۷ بود که مقدار ضریب آلفاکرونباخ به ترتیب برابر ۰/۷۹، ۰/۷۶، ۰/۵۴، ۰/۶۱ و ۰/۷۸ محاسبه شد که نشان از همسانی درونی خوب مقیاس است. در پژوهش فاضل [۲۸] که بر روی ۲۰۰ نفر از دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار ساکن کوی دانشگاه‌های تهران انجام گرفت، پایایی و مقدار همبستگی درونی با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای هر یک از عوامل نوروگرایی، برون گرایی، تجربه پذیری، همسازی و وظیفه شناسی به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۹۲، ۰/۸۸، ۰/۹۴ و ۰/۷۹ بدست آمد.

"پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن" (Gottman Emotional Divorce Questionnaire) که برای اندازه گیری میزان طلاق عاطفی افراد در سال ۱۹۹۹ توسط Gottman طراحی شده است [۲۹].

این پرسشنامه تک عاملی بوده و فاقد مؤلفه می‌باشد. این پرسشنامه در ۲۴ گویه به شکل ۲ گزینه‌ای (بله یا خیر) تنظیم شده است. پس از جمع کردن پاسخ‌های مثبت، چنان چه تعداد آن برابر هشت و بالاتر باشد، به معنای این است که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق عاطفی در وی مشهود است. پروین و همکاران [۵] ضمن مطالعه ۵۰ پاسخگو از خانواده‌های ساکن شهر تهران، آلفای کرونباخ را برای "پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن" ۰/۹۳ گزارش کردند. همچنین موسوی و همکاران [۳۰]، پایایی کل این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ برای تعداد ۲۰۰ زن و مرد متأهل ساکن شهر قزوین که حدود ۵ سال از ازدواج آن‌ها گذشته بود، به میزان ۰/۹۳ گزارش کردند. همچنین آن‌ها برای بدست آوردن روایی سازه از تحلیل عاملی به روش چرخشی واریماکس و آزمون اسکری استفاده کردند و چهار عامل جدایی و فاصله از یکدیگر، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراه و هم صحبت و احساس بی حوصلگی و بی قراری را مشخص کردند. مقادیر اشتراک و بار عاملی گویه‌های مقیاس و بار عاملی گویه‌های مقیاس نشان داد که بار عاملی همه سؤالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشته، بار عاملی قابل قبولی دارند. روایی صوری این پرسشنامه نیز پژوهش با نظر ۷ نفر از اعضای هیئت علمی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهر تأیید گردید.

معیارهای ورود نمونه‌ها به مطالعه عبارت بود از: ۱ - متأهل بودن دانشجو ۲- موافقت با شرکت در مطالعه و تکمیل پرسشنامه‌ها. برای جمع آوری داده‌ها، پژوهشگر در دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزاد شهر حضور پیدا کرده پس از توضیح هدف پژوهش برای شرکت کنندگان جهت رعایت اصول اخلاقی، ضمن کسب رضایت آگاهانه از تمامی شرکت کنندگان در پژوهش، به آن‌ها اطمینان داده شد که تمامی اطلاعات آن‌ها محرمانه خواهد بود و امکان ترک مطالعه در هر زمان وجود خواهد داشت. سپس پرسشنامه‌ها را در میان دانشجویان که به صورت در دسترس انتخاب می‌شدند، توزیع کرده تا در طول زمان آزاد آن را تکمیل کنند و در نهایت تعداد ۲۷۸ پرسشنامه توسط پاسخگویان تکمیل گردید (۶ درصد ریزش) و توسط پژوهشگر جمع آوری گردید. داده‌ها با آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون) و با استفاده از نرم افزار اس پی اس اس نسخه ۱۹ تحلیل شد.

آمیختگی با دیگران و در طیف لیکرت ۶ بخشی (ابدأ در مورد من صحیح نیست= ۱ تا کاملاً در مورد من صحیح است= ۶) اندازه گیری شده است. حداقل نمره کسب شده توسط پاسخگو، ۴۵ و حداکثر آن نیز ۲۷۰ می‌باشد و نمرات پایین‌تر در این پرسشنامه، نشان دهنده سطح تمایز بالاتر است. این پرسشنامه توسط Eskin و همکاران [۲۱] بر روی یک نمونه ۲۶ نفری از دانش آموزان دختر سال اول دبیرستان منطقه ۵ تهران اجرا شده که ضریب آلفای کرونباخ کل آن ۰/۸۱ بدست آمد. همچنین پایایی خرده آزمون‌ها برابر با ۰/۸۰ (واکنش عاطفی)، ۰/۸۱ (موقعیت مواضع شخصی)، ۰/۸ (گسلش عاطفی)، ۰/۷۴ (آمیختگی با دیگران)، گزارش شده است [۲۲].

Buser & Gibson [۲۳] ضمن مطالعه ۳۴۹ دانشجوی مرد مقدار آلفای کرونباخ را برای هر یک از خرده مقیاس‌های واکنش عاطفی، موقعیت مواضع شخصی، گسلش عاطفی و آمیختگی با دیگران، به ترتیب، ۰/۷۹، ۰/۷۳، ۰/۸۳ و ۰/۸۶ گزارش کردند. همچنین علیکی و نظری [۲۴] نیز در پژوهش خود در میان ۴۰ زوج کارمند دانشگاه تربیت معلم تهران، آلفای کرونباخ را برای کل پرسشنامه تمایز یافتگی، ۰/۸۱ و برای خرده مقیاس واکنش عاطفی، ۰/۸۱، موقعیت مواضع شخصی، ۰/۶۹، گسلش عاطفی، ۰/۶۵ و برای آمیختگی با دیگران، ۰/۶۰ به دست آورد.

"سیاه پنج عاملی شخصیت نئو" (NEO Five-Factor Personality Inventory) که توسط Costa & McCrae تهیه شده [۲۵] برای اندازه گیری میزان نوروگرایی افراد نمونه در مطالعه حاضر استفاده شد. این ابزار در ایران توسط گروسی [۲۶] هنجاریابی شده که روی نمونه‌ای با تعداد ۲۰۰۰ نفر از بین دانشجویان دانشگاه‌های تبریز، شیراز و دانشگاه‌های علوم پزشکی این دو شهر صورت گرفت. ضریب آلفا کرونباخ در هر یک از ۵ عامل اصلی نوروگرایی، برون گرایی، تجربه پذیری، همسازی و وظیفه شناسی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ بدست آمد. این پرسشنامه هر یک از پنج عامل شخصیت شامل نوروگرایی، برون گرایی، تجربه پذیری، همسازی و وظیفه شناسی را در قالب ۱۲ گویه می‌سنجد و در کل دارای ۶۰ گویه می‌باشد. در پژوهش حاضر، تنها بعد نوروگرایی انتخاب شد. جهت نمره گذاری مقیاس مذکور نیز از طیف پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالف=۰ تا کاملاً موافق=۴) استفاده شد. به گونه‌ای که حداقل نمره کسب شده توسط پاسخگو، صفر و حداکثر آن نیز ۴۸ می‌باشد و هرچه نمره کسب شده توسط پاسخگو کمتر باشد، نشان از نوروگرایی بالاتر فرد دارد. Costa & McCrae [۲۵] در پژوهش خود، این پرسشنامه را بر روی ۱۴۹۲ نفر از زنان و مردان عضو "مطالعه بالینی طولانی در مورد پیری" اجرا کردند و نتایج نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ در محدوده ۰/۹۱ تا ۰/۷۶ به دست آمد. پایایی این مقیاس نیز در پژوهش کیامهر [۲۷] در مورد ۳۳۶ نفر از دانشجویان علوم انسانی دانشگاه‌های تهران، که از دو روش بازآزمایی و همسانی درونی برای برآورد ضریب پایایی استفاده شده بود، تأیید شد. همچنین وی در روش بازآزمایی، ضریب همبستگی نمره‌های نوبت اول و نوبت دوم تعداد دانشجویان مذکور را با فاصله بین ۲ الی ۳ هفته برای هر یک از عوامل به طور جداگانه محاسبه نمود که برای پنج عامل به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ گزارش شد. همچنین جهت بررسی ضریب پایایی در ۳۳۶ دانشجوی مشغول به تحصیل در رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌های تهران به روش

یافته‌ها

نتایج این مطالعه نشان داد که ۵/۴ درصد دانشجویان متأهل سن کمتر از ۲۰ سال و ۲۴/۵ درصد بین ۲۰ تا ۲۵ سال، ۳۳/۴ درصد بین ۲۵-۳۰ سال و ۲۶ سال و ۳۶/۷ درصد بیش از ۳۰ سال سن داشتند. در این مطالعه ۴۵/۳ درصد از دانشجویان متأهل، زن و ۵۴/۷ درصد مرد بودند. مدت ازدواج ۴۲/۹ درصد از شرکت کنندگان کمتر از ۲ سال و ۳۴/۱۷ درصد آنها بین ۳ تا ۵ سال و ۲۳/۷۴ درصد بیش از ۵ سال بود. مقطع تحصیلی ۱۱/۹ درصد از شرکت کنندگان کاردانی، ۴۵/۳ درصد کارشناسی، ۳۷/۴ درصد کارشناسی ارشد و ۵/۴ درصد دکتری بود. با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها، از آزمون‌های آماری رگرسیون و همچنین ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج نشان داد که ضریب همبستگی بین متغیر طلاق عاطفی (متغیر ملاک) و متغیرهای پیش‌بین، ۰/۶۰۸ و ضریب تعیین تعدیل شده نیز ۰/۵۶۰ درصد است. بنابراین، می‌توان گفت متغیرهای پیش‌بین در مدل رگرسیون، ۵۶٪ درصد از واریانس طلاق عاطفی را در بین دانشجویان متأهل تبیین می‌کنند (جدول ۱).

جدول ۱: نقش تمایز یافتگی خود و نوروگرایی در طلاق عاطفی دانشجویان متأهل

ضریب تعیین	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب همبستگی
۰/۵۶۵	۰/۵۷۰	۰/۶۰۸

در جدول ۲ و ۳ به بررسی معناداری مدل رگرسیون و ضرایب رگرسیون پرداخته شده است.

جدول ۲: نتیجه مدل رگرسیون بر اساس آزمون تحلیل واریانس

مجموع مجذورات منبج واریانس	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F مقدار	P-value
۵/۲۲۱	۲	۲/۶۱۰	۸۰/۷۷۱	۰/۰۰۰
۸/۸۸۸	۲۷۵	۰/۰۳۲		
۱۴/۱۰۹	۲۷۷			
کل				

با توجه به اینکه $(F=۸۰/۷۷۱ و P-value<۰/۰۱)$ می‌باشد، می‌توان گفت مدل رگرسیون انتخاب شده برای فرضیه مورد نظر معتبر است.

جدول ۳: ضرایب مدل رگرسیون برای پیش بینی طلاق عاطفی

P-value	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد شده	مقدار t	
			خطای استاندارد	ضریب بتا
۰/۳۵۵	۰/۰۶۴	-	۵/۵۸۵	۰/۰۰۰
۰/۰۵۸	۰/۰۲۰	-۰/۱۵۴	۲/۸۸۱	۰/۰۰۴
۰/۱۲۶	۰/۰۱۳	-۰/۵۲۳	۹/۷۵۹	۰/۰۰۰

معادله رگرسیون با ضرایب استاندارد نشده

(نوروگرایی $\times ۰/۱۲۶$) + (تمایز یافتگی $\times -۰/۰۵۸$) = (Y) طلاق عاطفی
با توجه به مقدار P-value، خرده مقیاس‌های فوق که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، مشخص می‌گردد که این متغیرها توانسته‌اند طلاق عاطفی را

در بین دانشجویان متأهل پیش‌بینی کنند. بنابراین، مشخص می‌گردد با افزایش یک نمره در در تمایز یافتگی خود به میزان ۰/۰۵۸ طلاق عاطفی کاهش و با افزایش یک نمره در در نوروگرایی به میزان ۰/۱۲۶ به طلاق عاطفی دانشجویان افزوده خواهد شد.

همچنین برای بررسی میزان همبستگی بین متغیرهای پژوهش از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد؛ نتایج این آزمون نشان داد که همبستگی منفی و معنی داری بین تمایز یافتگی خود و طلاق عاطفی و همچنین همبستگی مثبت و معناداری بین نوروگرایی با طلاق عاطفی وجود داشت (جدول ۴).

جدول ۴: ضرایب همبستگی بین تمایز یافتگی خود و نوروگرایی با طلاق عاطفی دانشجویان متأهل

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	ضریب همبستگی	P-value
تمایز یافتگی خود	طلاق عاطفی	-۰/۵۸۵	۰/۰۰۰
واکنش عاطفی	طلاق عاطفی	۰/۴۴۲	۰/۰۰۱
گسلش عاطفی	طلاق عاطفی	۰/۶۲۲	۰/۰۰۱
آمیختگی با دیگران	طلاق عاطفی	۰/۴۶۰	۰/۰۰۱
موقعیت مواضع شخصی	طلاق عاطفی	-۰/۵۹۹	۰/۰۰۱
نوروگرایی	طلاق عاطفی	۰/۵۹۲	۰/۰۰۱

بحث

پژوهش حاضر با هدف تعیین همبستگی تمایز یافتگی خود و نوروگرایی با طلاق عاطفی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر انجام شد. بر اساس نتایج به دست آمده، میانگین نمره تمایز یافتگی خود از نظر دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد آزادشهر، ۱۰۵ (از حداقل صفر تا حداکثر ۲۲۵) بود که نشان می‌دهد تمایز یافتگی خود پاسخگویان در سطح متوسط می‌باشد. نتایج پژوهش‌های امانی و همکاران [۳۱] و صادقی و روشن نیا [۳۲] همسو با پژوهش حاضر بودند. اما در مطالعه سلیمان نژاد [۳۳]، نتایج تمایز یافتگی دانشجویان پرستاری و نیز در مطالعه اخوان بی تقصیر و همکاران [۳۴] نمره تمایز یافتگی زنان سرپرست خانوار بالاتر گزارش شد.

میانگین نمره نوروگرایی نیز در پژوهش حاضر ۱۶/۲۴ (از حداقل صفر تا حداکثر ۴۸) بود که نشان می‌دهد نمره نوروگرایی در پاسخگویان، کمتر از حد متوسط می‌باشد. حسینی نسب و همکاران [۳۵] در پژوهش خود، نمره نوروگرایی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد تبریز را بالاتر از حد میانگین گزارش کردند. پور حسین و همکاران [۳۶] و بشارت [۳۷] نیز میزان میانگین نمره متغیر مذکور را در گروه‌های دانشجویی متفاوت، بالاتر از حد متوسط گزارش کردند که از این لحاظ یافته‌های آن‌ها با نتایج پژوهش حاضر همخوانی نداشت. با توجه به میانگین بدست آمده از مقیاس طلاق عاطفی ۸/۵۸ نسبت به نمره‌گذاری این پرسشنامه، می‌توان نتیجه گرفت، علائمی از طلاق عاطفی در میان پاسخگویان وجود دارد. ارجمند و پیرامون [۳۸] ضمن بررسی آسیب شناسی طلاق عاطفی از دید زنان ۲۰ تا ۳۹ ساله شهرک بعثت شهرستان ماهشهر، میانگین طلاق عاطفی را در این جامعه، متوسط رو به پایین گزارش کردند. همچنین پروین و همکاران [۵] نیز میزان شیوع طلاق عاطفی را در خانواده‌های تهرانی، در حد متوسط رو به پایین گزارش کردند که این نتایج با یافته‌های پژوهش حاضر مطابقت

نداشت. تفاوت در نوع مشاغل، رشته تحصیلی و جوامع مورد مطالعه، موقعیت جغرافیایی و فرهنگی و همچنین تعداد نمونه‌ها و ابزارهای استفاده شده، می‌تواند توجیه این تفاوت‌ها باشد.

همچنین نتایج نشان داد که همبستگی منفی و معنی داری بین تمایز یافتگی خود و طلاق عاطفی وجود دارد. بدین معنی که با افزایش تمایز یافتگی در فرد، نمره طلاق عاطفی کاهش یافته است. در سنجش رابطه خرده مقیاس‌های تمایز یافتگی و طلاق عاطفی نیز مشخص گردید تمامی خرده مقیاس‌ها با طلاق عاطفی رابطه معنی داری وجود دارد، اما جهت رابطه بین سه متغیر واکنش عاطفی، گسلس عاطفی و آمیختگی با دیگران با طلاق عاطفی مثبت بوده و جهت رابطه موقعیت موضعی شخصی با طلاق عاطفی رابطه منفی وجود دارد. در پژوهش Skowron [۱۳] تمایز یافتگی با کیفیت زندگی ناشویی رابطه داشته و از بین مؤلفه‌های تمایز یافتگی، گسلس عاطفی و واکنش عاطفی، پیش بینی کننده اختلاف زناشویی بوده‌اند. یافته‌های رشیدی و همکاران [۳۹] همسو با نتایج پژوهش حاضر بود. وی در مطالعه خود بر روی زنان متقاضی طلاق در کرمانشاه نشان داد افزایش تمایز یافتگی خود به فرد کمک می‌کند تا به موقعیت‌های گوناگون کنترل موفق‌تری داشته باشد و توانایی بیشتر در کسب جایگاه من در ارتباطات بین فردی، همراه با واکنش پذیری عاطفی، تضمین کننده بهبودی سطح کیفیت زندگی زناشویی می‌باشد. نجف لویی نیز [۴۰] در پژوهش خود گزارش کرد که هر اندازه میزان تمایز خود همسران پایین باشد، آمادگی بیشتری برای اضطراب دارند، به رویدادها و رفتار همسرشان واکنش‌های عاطفی یا هیجانی شدیدتری نشان می‌دهند، ظرفیتشان برای پیوندهای صمیمانه محدودتر است. همچنین در مطالعه علیکی و نظری [۲۴] نیز مشخص شد، افزایش تمایز یافتگی با سلامت روانی، رضایت زناشویی و صمیمیت بالاتر در میان کارکنان دانشگاه تربیت معلم رابطه مستقیم دارد. Skowron & Friedlander [۲۰] نیز مطالعه‌ای بر روی کارکنان دانشگاه بزرگ ایالتی، والدین کودکان عضو تیم‌های ورزشی و دانشجویان فارغ التحصیل رشته‌های مشاوره و روانشناسی انجام دادند. نتایج نشان داد که میان خود تمایز یافتگی و رضایت ناشویی، رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین Waring & Patton [۴۱] نیز ضمن مطالعه بیماران بستری در بیمارستان، به نتایج مشابهی دست یافتند. Young و همکاران [۴۲] بیان می‌کنند که فرد کم‌تر تمایز یافته رفتار واکنشی دارد و بیش‌تر انرژی‌اش را در جهت تجربه احساسات و شدت این احساسات به کار می‌گیرد. برای چنین فردی، احتمالاً مشکل است که در پاسخ به عاطفه دیگران آرام باقی بماند او در یک دنیای عاطفی، به دام افتاده است. همچنین وقتی تعاملات میان فردی، شدید هستند، افراد کم‌تر تمایز یافته ممکن است خودشان را همانند احساساتشان از دیگران مجزا کنند، اهمیت خانواده را انکار کنند و یک نمای افراطی از استقلال را نشان دهند. در نهایت این که افرادی که بیش‌ترین هم جوشی را بین افکار و احساساتشان دارند، ضعیف‌ترین کارکرد را دارند. آن‌ها احتمالاً تحت سلطه واکنش‌های عاطفی خودکار یا غیرارادی هستند و معمولاً حتی در برابر سطوح پایین اضطراب هم دچار بدکارکردی می‌شوند که این عوامل می‌توانند منجر به بروز اختلاف و ناسازگاری و نهایتاً طلاق عاطفی میان زوجین گردند.

در واقع خود تمایز یافتگی یکی از زمینه‌های لازم برای سازش یافتگی ارتباطی است و از آن جهت اهمیت دارد که تأثیر خانواده بر آن نحوه

تفکر، احساس و رفتار اعضای خانواده نشان می‌دهد. همجوشی عاطفی را می‌توان بسته به فرهنگ جمع گرایی ایرانیان دانست. در فرهنگ جمع گرایی ایرانیان، افراد هویت خود را در جمع جستجو می‌کنند [۳۹]. بنابراین، هر چه تمایز یافتگی فرد بالاتر و بیشتر باشد، متعاقباً گرایش به طلاق عاطفی وی نیز کمتر می‌گردد.

نتایج مربوط به رابطه میان نوروزگرایی با طلاق عاطفی نیز نشان داد که بین این دو متغیر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های همچون ساداتی و همکاران [۱۰] مطابقت داشت. این پژوهشگران گزارش کردند که زوجینی که از صفت نوروزگرایی بالاتری برخوردارند، در روابط خود، بخشش و گذشت کمتری را تجربه می‌کنند و احتمال دلزدگی در رابطه آن‌ها با یکدیگر بیشتر است. صادقی و روشن نیا [۳۲] نیز در پژوهش خود در زمینه رابطه تشابه ویژگی‌های شخصیتی زوجین با رضایت زناشویی که بر روی ۱۰۰ زوج اجرا نمودند، گزارش نمودند در ویژگی شخصیتی نوروزگرایی، بیشترین رضایت در مردان و زنان گروه‌هایی مشاهده شد که زوجین هر دو نوروزگرایی پایینی داشتند و کمترین رضایت نیز در گروهی مشاهده شد که هر دو زوج، نوروزگرایی بالایی داشتند. در توجیه این نتایج ابزار داشتند که تمایل عمومی به تجربه عواطف منفی مانند ترس، غم، عصبانیت، احساس گناه و نفرت، مجموعه نوروزگرایی را تشکیل می‌دهد و مردان و زنان نوروزگرا نسبت به سایرین بسیار ضعیف‌تر با تنش کنار می‌آیند، عواطف غیر منطقی‌تری دارند و در راهبردهای مقابله‌ای با مشکلات ضعف دارند. از سوی دیگر، افراد با نوروزگرایی پایین، به دلیل داشتن ثبات عاطفی، آرام و راحت هستند، به نحوی که بدون آشفتگی و اضطراب با موقعیت‌های تنش زا مواجه می‌شوند. همچنین Rao & Kyser [۴۳] نیز در پژوهش خود گزارش کردند، آن چه زمینه فاصله گرفتن و جدایی زناشویی را در افراد نوروزگرا فراهم می‌کند، تمایل آن‌ها به هیجان پذیری منفی در تعارض‌های زناشویی می‌باشد. در واقع، دمدمی مزاج بودن و زودرنجی این افراد در موقعیت‌های بحرانی، زوج‌ها را در یک دور باطل تعاملات منفی گرفتار می‌سازد که به علت استفاده افراد نوروزگرا از راهکار اجتناب، این تسلسل ممکن است تا دلزدگی و جدایی زناشویی ادامه پیدا کند. همچنین Nisczota [۱۷] نیز در پژوهش خود گزارش نمود نوروزگرایی به معنی چشم پوشی ضعیف در مقابل تنش یا گرایش به فروپاشی سازمان یافته رفتار در موقعیت‌های تعارضی یا ناکام کننده است. در واقع افراد با نوروزگرایی بالا، در برخورد با تعارض‌های بین فردی، بیشتر دست به رفتارهای اجتنابی و واکنش‌های هیجانی شدید می‌زنند. لذا تعارض را شدید و رفع آن را با مشکل مواجه می‌کنند.

از سویی نوروزگرایی زوجین رات به سوی عقاید غیر منطقی سوق می‌دهد و با افزایش تعارض‌ها، توانایی آن‌ها را برای مقابله با فشارهای روانی تحلیل می‌برد. Likciani [۴۴] نیز گزارش نمود آنچه که سبب رابطه تمایز یافتگی با تعارض زناشویی می‌گردد، جدایی‌های عاطفی‌ای است که زن و شوهرهای با تمایز یافتگی پایین، پس از ایجاد موقعیت‌های تعارضی، دچار آن می‌شوند. افراد با تمایز یافتگی پایین، به علت عدم رعایت مرزهای زناشویی، ایجاد تعارض می‌کنند و انباشت احساسات منفی ناشی از عدم رفع منطقی تعارض‌های زناشویی، در دراز مدت اسباب جدایی را برای این زوج‌ها فراهم می‌کند. یافته‌های شاکریان و همکاران [۴۵] بر روی ۲۰۰ دانشجوی متأهل نیز با نتایج

پژوهش حاضر مطابقت داشت. نتایج به دست آمده از این پژوهش در گروه زنان و مردان نوروگرا نشان داد زمانی که هر دو زوج با ثبات باشند، سازگاری میان زوجین به طور معنی داری بیشتر از زمانی است که هر دو زوج نوروگرا باشند.

نتیجه گیری

یافته‌های به دست آمده از پژوهش حاضر، همبستگی منفی و معنی دار میان تمایز یافتگی خود با طلاق عاطفی و همبستگی مثبت و معنی دار میان نوروگرایی با طلاق عاطفی را نشان می‌دهد؛ بدان معنی که با افزایش تمایز یافتگی خود و کاهش نوروگرایی در زوجین، میزان طلاق عاطفی در میان آن‌ها کاهش یافته است. با توجه به وجود رابطه منفی میان تمایز یافتگی خود و طلاق عاطفی، پیشنهاد می‌گردد واحد مشاوره دانشگاه‌ها دوره‌های آموزشی مبتنی بر آشنایی دانشجویان متأهل با صفات روانی مخرب نوروگرایی و عواقب آن و نیز بروشورها و جزواتی

سپاسگزاری

این مقاله حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد حورالعین رضوانی با راهنمایی جناب آقای دکتر حسن صائمی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد آژادشهر می‌باشد که در تاریخ ۵ دی ۱۳۹۶ و با شماره ۵/۷۴۹۱ مورد دفاع قرار گرفته است. بدین وسیله از تمامی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد آژادشهر که در این پژوهش شرکت کردند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

References

- Alavi Lavasani Aa-S, Ahmadi Tahour Soltani M. [Association between Maltreatment in Childhood and Emotional Divorce: Mediating Role of Attachment Styles, Early Maladaptive Schemas and Difficulty in Emotional Regulation]. *J Health Promot Manag*. 2017;7(2):49-58. doi: 10.21859/jhpm-07027
- Khavasi L. *The Meaning of Spouses' Privacy in Successful Marriages*. Tehran: Ghatreh; 2016.
- Pokorska J, Farrell A, Evanschitzky H, Pillai K. Relationship fading in business-to-consumer context. EMAC, 42nd Annual European Marketing Academy Conference; Istanbul: Turkey 2013.
- Schramm DG. Individual and Social Costs of Divorce in Utah. *J Fam Econ Issues*. 2006;27(1):133-51. doi: 10.1007/s10834-005-9005-4
- Parvin S, Davoodi M, Mohamadi F. Sociological factors affecting emotional divorce among Tehran families. *J Women's Soc Cult Council*. 2012;14(56):119-53.
- Shahbeik S, Khanekhesi A, Khanmohammadi A. [Coping strategies and resilience in divorced and nondivorced females: A comparative study]. *J Health Promot Manag*. 2018;7(2):44-9.
- Klever P. Goal direction and effectiveness, emotional maturity, and nuclear family functioning. *J Marital Fam Ther*. 2009;35(3):308-24. doi: 10.1111/j.1752-0606.2009.00120.x pmid: 19522784
- Hoseinshahi Beravoti H, Naghshbandi S. [Family Therapy]. Tehran: Ravan Publishing; 2013.
- Likcani A. *Differentiation and intimate partner violence*. Kansas Kansas State University; 2013.
- Sadati S, Mehrabizade Honarmand M, Soudani M. The causal relationship of differentiation, neuroticism, and forgiveness with marital disaffection through mediation of marital conflict. *J Fam Psychol*. 2015;1(2):55-68.
- Ormel J, Jeronimus BF, Kotov R, Riese H, Bos EH, Hankin B, et al. Neuroticism and common mental disorders: meaning and utility of a complex relationship. *Clin Psychol Rev*. 2013;33(5):686-97. doi: 10.1016/j.cpr.2013.04.003 pmid: 23702592
- Wayne JH, Musisca N, Fleenon W. Considering the role of personality in the work-family experience: Relationships of the big five to work-family conflict and facilitation. *Journal of Vocational Behavior*. 2004;64(1):108-30. doi: 10.1016/s0001-8791(03)00035-6
- Skowron EA. The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*. 2000;47(2):229-37. doi: 10.1037/0022-0167.47.2.229
- Kazemian Moghaddam K, Mehrabizadeh Honarmand M, Kiamanesh A, Hoseinian S. The role of differentiation, life meaningfulness and forgiveness in predicting marital disaffection in the married female students. *J Woman Cult*. 2017;9(33):35-50.
- Ghomri Keyvi H, Sheykh al Eslami A, Samadi M. Relationship between self-differentiation and marital satisfaction in mutually compatible spouses. Second National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies; Tehran 2015.
- Iveniuk J, Waite LJ, McClintock MK, Teidt AD. Marital Conflict in Older Couples: Positivity, Personality, and Health. *J Marriage Fam*. 2014;76(1):130-44. doi: 10.1111/jomf.12085 pmid: 27274569
- Niszczota P. Neuroticism, uncertainty, and foreign investment. Available at SSRN 2431188. 2014.
- Gabelman E. The effects of locus of control and differentiation of self on relationship satisfaction. Ohio The Ohio State University; 2012.
- Kayser K. *When Love Dies: The Process of Marital Disaffection*: Guilford publishers; 1993.
- Skowron EA, Friedlander ML. The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *J Counsel Psychol*. 1998;45(3):235-46. doi: 10.1037/0022-0167.45.3.235
- Eskian P, Sanaei Zaker B, Navabinejad S. [The effect of Psychodrama on increasing the individual self-differentiation of the main family of high school girl students in district5 of Tehran]. *J Counsel Res*. 2008;7(25):27-42.

22. Eskian P, Changizi F. [The study of the relationship between differentiation and identity styles in undergraduate students of Tehran University]. 4th Student Mental Health Seminar; Shiraz 2008.
23. Buser JK, Gibson S. Differentiation and Eating Disorder Symptoms Among Males. *Fam J*. 2013;22(1):17-25. doi: [10.1177/1066480713504903](https://doi.org/10.1177/1066480713504903)
24. Aleyki M, Nazari A. Investigating the Relationship between differentiation and marital satisfaction. *Counsel Res Dev*. 2008;7(26):7-24.
25. McCrae RR, Costa PT. Comparison of EPI and psychoticism scales with measures of the five-factor model of personality. *Pers Individ Differ*. 1985;6(5):587-97. doi: [10.1016/0191-8869\(85\)90008-x](https://doi.org/10.1016/0191-8869(85)90008-x)
26. Garousi Farshi M. [New Approaches to Personality Evaluation]. Tabriz: Denial publishers; 2001.
27. Kiamehr J. [Standardization of the short form of the NEO-FFI five factor questionnaire and analyzing its factor structure among the humanities students of the Tehran University]. Tehran: Alameh Tabatabayi University; 2002.
28. Fazel J. The comparison of big five personality traits between male and female athletes and non-athletes. *J Dev Motor Learn*. 2012;3(2):81-9.
29. Gottman J. *The Marriage Clinic: A Scientifically-based Marital Therapy*; WW Norton & Co; 1999.
30. Moosavi S, Rahi I, Nejad A. Comparison of the statuses of interpersonal identity between married women and men according to the status of emotional divorce. *J Appl Psychol Res*. 2015;6(1):11-23.
31. Amani A, Yousefi N, Fanaei E. The effectiveness of existential therapy on the differentiation and communication patterns of female students in the stage of marriage. *Res Clin Psychol Counsel*. 2016;6(2):16-31.
32. Sadeghi M, Roshan Nia S. Investigating the role of the family population on the mental dimensions of children: Life expectancy, resilience and differentiation. *Woman Fam*. 2016;11(36):99-121.
33. Soleimannejad A. The study of effectiveness of Psychodrama on increasing individual self-differentiation of original family in female nursing students. *J Urmia Univ Med Sci*. 2010;21(1):42-52.
34. Akhavan Bitaghsir Z, Nazari A, Thanaie Zaker B. Relationship between differentiation and job burnout in female heads household and non-household. *J Woman Fam Stud*. 2011;3(11):113-28.
35. Hoseini Nasab S, Badri R, Ghaemian Oskouri A. The relationship between personality characteristics and interpersonal conflict resolution styles with marital adaptation of married students in Tabriz Azad University. *Educ Sci*. 2009;1(2):105-30.
36. Poor Hossein R, Shafie R, Hosseini M, Aghakhani M. Prediction of students' humor based on personality traits and their relationship with mental health. *J Growth Psychol*. 2017;6(1):5-24.
37. Besharat M. The relationship between personality dimensions and sentimental mood. *Contemp Psychol*. 2007;2(2):50-8.
38. Arjomand E, Piramoon N. A pathological study on the emotional divorce of women (20-39) and its effects on their children. *J Sociol Stud Youth*. 2014;5(14):9-22.
39. Rashidi A, Sharifi K, Naghshbandi T. Relationship between family communication patterns and self-differentiation with the life quality among the woman with applicant for divorce in Kermanshah. *J Pathol Consult Fam Enrich*. 2016;4(1):66-78.
40. Najaflooyi F. The role of "self-differentiation" in marital relationships. *J New Thoughts Educ*. 2006;2(4):27-37.
41. Waring E, Patton D. *Marital intimacy and family function*. Psychiatry J Univ Ottawa. 1984;9(1):24-9.
42. Young J, Klosko J, Weishar M. *Schema Therapy. A Practitioner's Guide*. New York: Guildford; 2003.
43. Kyser K, Rao S. *Process of Disaffection Relationship Breakdown*. Mahaw, NJ: Elbaum; 2006.
44. Likcani A. *Differentiation and intimate partner violence*. Kansas Kansas state University; 2006.
45. Shakerian A, Nazari A, Ebrahimi P, Fatemi A, Danaei S. Relation of similarity and contradiction in personality traits with marital adjustment. *J Behav Sci*. 2012;6(3):245-51.